

بررسی شخصیت پردازی زن و خصوصیات اجتماعی وی در

رمان‌های تاریخی جرجی زیدان

محمد کریمی^۱

عسکر بابازاده اقدم^۲

چکیده

ادبیات داستانی به سبب گیرایی و جذابیت خاصی که در میان سایر انواع ادبی دارد عرصه و جولانگاه ارائه نظرات و دیدگاه‌های مختلفی در باب موضوعات گوناگون می‌باشد. یکی از این موضوعات، موضوع زن و جایگاه آن است به عنوان مثال اگر به رمان‌های تاریخی جرجی زیدان نظری بیفکنیم می‌بینیم که زنان و چهره‌ای که در این آثار از آنان عرضه شده است، جالب توجه و در حد خود منحصر به فرد است. نویسنده این داستان‌ها، سهم فراوانی را به زن در جریان حوادث و مسایل جامعه اسلامی اختصاص داده و در هر عرصه‌ای او را حی و حاضر و دوشادوش و هم‌پای مردان قرار داده است و از دیدگاه انزوایی و انحصار زن در چهارچوب خانه در جوامع اسلامی که عده زیادی بدان معتقدند خبری نیست. لذا در این پژوهش نگارنده بر آن است با بررسی رمان‌های تاریخی جرجی زیدان، به ویژه آن‌هایی که عناوین زنانه دارند جلوه‌هایی از شخصیت‌پردازی زن و جایگاه وی در جامعه اسلامی را از دیدگاه یک نویسنده مسیحی به نمایش بگذارد.

کلید واژه‌ها: جرجی زیدان، رمان تاریخی، زن، شخصیت پردازی، جایگاه اجتماعی.

۱- دانشجوی علوم و معارف قرآن کریم.

۲- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

مقدمه:

اگر به اصلی‌ترین و معتبرترین کتاب هدایت بشری موجود در دین اسلام یعنی قرآن کریم مراجعه کرده و در مسأله زن و مرد با موضوعات مختلفش بیاندیشیم قطعاً بدین نتیجه می‌رسیم که قرآن زن و مرد را از لحاظ ارزش انسانی با همدیگر برابر شناخته است. در بخش تاریخی قرآن الگوهای متعالی و رشد یافته انسان‌های آزاده تنها مردان نیستند و... چرا که وجود و معرفی زنان بهشتی و بیان فضایل آن‌ها را می‌توان از دلایل این مدعا برشمرد (شاهدی، ۱۳۸۹: ۱۱۴). زن به عنوان آفریده خداوند از نظر اسلام از ارزش و اهمیت والایی برخوردار بوده و در موارد بی‌شماری بر توجه به این گوهر ارزشمند تأکید شده است.

از آغاز تشکیل حکومت اسلامی و به دنبال تغییر و تحولاتی که در جامعه اسلامی به سبب نزول آیین الهی جدید پدیدار شد قطعاً عوامل و زمینه‌سازان این تغییرات نیز دارای نقش‌ها و تأثیرات قابل توجهی بوده‌اند. یکی از این عوامل، پدیده زن و جایگاه فردی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی و متقابلاً دیدگاه جامعه نسبت به وی می‌باشد. اگر به سیر تحول دو سویه این دو باهم در حکومت اسلامی نظری بیفکنیم ملاحظه می‌کنیم که به سبب عوامل متعددی که در گفتار حاضر پرداختن بدان‌ها، مجال نمی‌یابد دارای نوسانات شدیدی بوده است. علت این نوسانات نیز قطعاً پیدایش حکومت‌ها و دولت‌های متعدد با افکار و عقاید خاص خود می‌باشد. بی‌شک یکی از جریاناتی که متأثر از دیدگاه حکومت‌ها در طول دوران بوده و در ایجاد نوع نگاه به زن تأثیر مستقیمی داشته جریان ادبیات به طور عام و جریان داستان‌نویسی به طور خاص است. پندارهای متعددی که از اسلام در مورد نگاه به زن همیشه تبلیغ شده و می‌شود اغلب پندارهای منفی گرایانه بوده است؛ یعنی این‌که زن پیوسته در جامعه اسلامی به عنوان یک عنصر منزوی و گوشه‌نشین بوده و در تحولات جامعه و تعیین سرنوشت آن نقشی ایفا ننموده است. و نگاه مردان نسبت به وی همیشه نگاهی تجارتنی و تصاحبی بوده است و

بررسی شخصیت‌پردازی زن و خصوصیات اجتماعی وی در رمان‌های تاریخی جرجی زیدان ۱۴۳

حال اگر به فراخور گفتار حاضر از منظر ادبیات داستانی، این پدیده را مورد کند و کاو قرار دهیم ملاحظه می‌کنیم این نوع نگاه‌ها و مسایل تا حدود زیادی در تعارض با این مبحث است؛ چرا که مثلاً با مطالعه رمان‌های تاریخی جرجی زیدان به عنوان یک نویسنده مسیحی و به عنوان کسی که پیشگام نگارش رمان تاریخی اسلامی در ادبیات عربی است، بسیاری از مسایل به طور آشکار برای مخاطبان این مبحث تفهیم می‌گردد. لذا از آن‌جا که بررسی تمامی داستان‌های تاریخی وی در این مجال مختصر نمی‌گنجد بر آن شده‌ایم تا محور اصلی دو داستان «عذراء قریش» و «ابومسلم الخراسانی» باشد و در صورت نیاز و تفصیل بیشتر به دیگر داستان‌ها مراجعه شود. در نتیجه بدنبال آنیم به دو سؤال اساسی زیر پاسخ دهیم: الف: شخصیت‌پردازی زن از لحاظ فنی در رمان‌های زیدان چگونه است؟

ب: جایگاه و خصوصیات اجتماعی زنان از دیدگاه زیدان چگونه است؟

حال با توجه به روش توصیفی-تحلیلی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته و گردآوری داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای بوده است برآنیم به اصل موضوع یعنی نحوه شخصیت‌پردازی زن در این آثار و نیز دیدگاه و چگونگی نمایش و عرضه زن در این تألیفات بپردازیم.

جرجی زیدان در سال ۱۸۶۱ در بیروت دیده به جهان گشود و در پنج سالگی روانه مدرسه شد اما پس از کش و قوس‌های فراوان از تعلیم بازماند. سپس به عللی، چند سال بعد دوباره تصمیم به ادامه تحصیل گرفته و وارد دانشگاه بیروت در رشته پزشکی شد اما باز مدتی بعد، از دانشگاه اخراج و رهسپار مصر شد و چندی به عنوان مترجم در آن سرزمین مشغول شد، سپس به بیروت بازگشته در سال ۱۸۸۵ کتابی با عنوان «الالفاظ العربیه و الفلسفه اللغویه» به رشته تحریر درآورد او سال‌ها به کارهای مختلف فرهنگی از قبیل اداره مجله «المقتطف» و تأسیس انتشارات دارالمعارف با مشارکت نجیب متری و نیز سفر به اروپا و انتشار مجله «الهلال» پرداخت. او در طول عمر نسبتاً

کوتاه خود، آثار و تألیفات متعددی که بیشتر درباره تاریخ و تمدن عربی و اسلامی است خلق نمود، و سرانجام در سال ۱۹۱۴ درگذشت (صاوی، ۲۰۰۰: ۷۰-۴۰).

پیشینه تحقیق:

مطابق بررسی‌هایی که از سوی نگارنده گفتار حاضر به عمل آمده است، تاکنون در مورد جرجی زیدان و ویژگی‌های آثار وی کتب و مقالات متعددی چه از سوی نگارنده و چه توسط دیگران در داخل و خارج از کشور به رشته تحریر درآمده است؛ از قبیل مقاله «مقایسه رمان ابو مسلم خراسانی و سیاه‌پوشان صنعتی‌زاده» مربوط به مؤلف مقاله حاضر و نیز مقاله «جایگاه جرجی زیدان در داستان‌نویسی معاصر عربی» دکتر خلیل پروینی و هومن ناظمیان در مجله انجمن زبان و ادبیات عربی و «نقد و بررسی رمان‌های تاریخی جرجی زیدان» نوشته زیبا اکبرزاده کتاب ماه ادبیات و «رمان‌های تاریخی جرجی زیدان از منظر مکتب رمانتیسیم» هومن ناظمیان. در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه سمنان... در قالب کتاب نیز می‌توان به «جرجی زیدان فی المیزان» شوقی ابوخلیل و «کتابات جرجی زیدان» محمود صاوی و «جرجی زیدان» محمد عبدالغنی حسن اشاره کرد. ناگفته نماند دو کتاب اول دیدگاهی عمدتاً منفی گرایانه نسبت به محتوای داستان‌های تاریخی جرجی زیدان دارند. اما کتاب سوم با یک نگاه عمومی و همه‌جانبه‌گرایانه توانسته بدون افراط و تفریط جانب انصاف و اعتدال را در مباحث خود رعایت کند. لذا پژوهش حاضر بر آنست تا به دور از سلیقه‌های نویسندگان مذکور نقش و شخصیت‌پردازی زن را در داستان‌های تاریخی جرجی زیدان بررسی کند. مزیتی که به نظر نگارنده در این گفتار جلوه می‌کند، ارائه دیدگاه یک نویسنده مسیحی به زن حاضر در جامعه اسلامی است، دیدگاهی که تبیین و ارائه صحیح آن از سوی نویسنده این مقاله می‌تواند پاسخ‌گوی بسیاری از دیدگاه‌های شبهه‌آمیز و غالباً منفی به زن در جامعه و تاریخ اسلامی از ابتدا تاکنون باشد.

رمان‌های تاریخی جرجی زیدان با رویکرد زن:

با وجود تلاش‌هایی که در زمینه تألیف رمان تاریخی در ادب عربی قبل از زیدان وجود داشته (القاعد، ۱۹:۲۰۰۷) اما در حقیقت بایستی او را به عنوان پیشوای اصلی این عرصه نویسندگی مورد لحاظ قرار دهیم (همان، ۲۰). تعداد داستان‌های تاریخی وی بیست و یک مورد است اولین آن‌ها در سال ۱۸۹۱ و آخرین آن‌ها در سال ۱۹۱۳ به رشته تحریر درآمده است. عناوین آن‌ها عبارتند از:

المملوک الشارد، استبداد الممالیک، اسیرالمتمهدی، ارمانوسه المصریه، فتاة غسان، عذراء قریش، ۱۷ رمضان، غادة كربلاء، الحجاج الثقفی، فتح الاندلس، شارل و عبدالرحمن، ابومسلم الخراسانی، العباسة أخت الرشید، الأمين و المأمون، عروس فرغانه، احمد بن طولون، عبدالرحمن الناصر، الانقلاب العثماني، فتاة القیروان، صلاح الدین الایوبی، شجرة الدر.

اگر در عنوان این داستان‌ها تأملی کنیم درمی‌یابیم که نه مورد از آن‌ها به طور مستقیم دارای لقب و اسم مربوط به زن می‌باشد: ارمانوسه المصریه دختر مقوقس حاکم قبطی مصر، فتاة غسان دختری به نام هند فرزند جبله بن الایهم یکی از ملوک غسان، عذراء قریش دختری به نام اسماء فرزند ناشناس یکی از حاکمان اسلامی، غادة كربلاء دختری به نام سلمی که ادعاءً دختر حجر بن عدی معرفی شده است، شارل و عبدالرحمن که در آن شارل اسم دختری است که فرماندهی سپاه فرنگی‌ها را بر عهده دارد. شجرة الدر، زنی که به عنوان اولین زن پادشاه در حکومت اسلامی در مصر معرفی می‌شود. عباسة اخت الرشید خواهر هارون الرشید، فتاة القیروان دختری به نام لمیاء فرزند امیر حمدون حاکم سجلماسه، عروس فرغانه دختری به نام جهان فرزند طهماز یکی از بزرگان شهر فرغانه یکی از شهرهای بزرگ ترکستان.

برداشتی که می‌توانیم از این مطلب داشته باشیم اینست که زن از نظر نویسنده این داستان‌ها عضوی مؤثر در اجتماع است و مانند مردان می‌تواند در مسایل مهم اجتماعی نقش آفرینی کند و اگر بخواهیم زن را با نیمه دیگر اعضای جامعه یعنی مرد مقایسه

کنیم سهمی مساوی با مردان در تشکیل جامعه و رخدادهای آن دارد. او سهم مردان را نیز به عنوان عضوی دیگر از جامعه با عناوینی از قبیل «المملوک الشارد» و «عبدالرحمن الناصر» و «صلاح الدین الایوبی» و «الامین و المأمون» و «ابومسلم الخراسانی» و «اسیر المتمدی» و «احمد بن طولون» نشان داده است.

گذشته از عنوان داستان‌های مذکور، اگر محتوای آن‌ها را نیز بررسی کنیم می‌بینیم که شخصیت اصلی غالب داستان‌ها یا زن است یا در کنار شخصیت اصلی مرد یک شخصیت کمکی زن وجود دارد: مثلاً در رمان ابومسلم الخراسانی «گلنار» شخصیت فرعی و کمکی در کنار شخصیت اصلی یعنی «ابومسلم» است، این زن با اعمال و رفتارهایی که از خود در رمان دارد بسیاری از حوادث را تشکیل می‌دهد. و یا در رمان صلاح الدین «سیده الملک» خواهر خلیفه عاضد به عنوان شخصیت دوم در داستان مطرح است و ...

به طور کلی با نگاه به مضمون این داستان‌ها چنین به دست می‌آید که هیچ داستانی از وجود شخصیت زن خالی نیست البته شخصیتی که منزوی نبوده و به طور مستقیم در سیر حوادث داستان دخیل‌اند. که در مراحل بعدی این مقاله و به اقتضای بحث بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

شخصیت‌پردازی زن در داستان‌های جرجی زیدان:

به طور کلی هر داستانی اجزا و عناصری دارد که در قالب خاصی ریخته می‌شوند تا به طور منظم و هم‌آهنگ و در راستای تأمین هدفی فکری حرکت کنند (پروینی، ۱۳۸۱: ۵۰۳). یکی از این عناصر و یا به عبارتی بهتر مهم‌ترین آن‌ها شخصیت و شخصیت‌پردازی است. یونسی معتقد است: مهم‌ترین منتقل‌کننده تم داستان و مهم‌ترین عامل طرح داستان، شخصیت داستانی است و ... (عبداللهیان، ۱۳۸۱: ۴۱۵). اما منظور از شخصیت چیست؟ منظور از شخصیت، اشخاص ساخته شده‌ای هستند که در داستان و نمایشنامه و ... ظاهر می‌شوند و اعمالی را انجام می‌دهند (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۸۴). هر نویسنده‌ای برای آن‌که بتواند در اثر خویش شخصیت‌های زنده و قابل قبولی عرضه کند

بررسی شخصیت‌پردازی زن و خصوصیات اجتماعی وی در رمان‌های تاریخی جرجی زیدان ۱۴۷

بایستی سه عامل ثابت قدمی و استواری، دارا بودن انگیزه معقول و پذیرفتنی و واقعی و جلوه‌نمایی شخصیت‌ها را در نظر داشته باشد (عبدی، ۱۳۹۰: ۹۹).

به طور معمول هر نویسنده در ادبیات داستانی بینش، تفکر، احساسات و اعتقادات خاص خود را در مسیر داستان به نمایش می‌گذارد. از آنجا که بهترین تجلی‌گاه این احساسات و اعتقادات شخصیت‌ها هستند. شخصیت‌پردازی نیز در ادبیات داستانی اهمیت پیدا کرده و خواننده با شناخت شخصیت‌های داستانی می‌تواند با ایدئولوژی و جهان‌بینی نویسنده آشنا شود (آتش سودا، ۱۳۸۹: ۱۰). شیوه‌پردازش شخصیت‌ها در آثار داستانی متفاوت است. به عنوان مثال اگر به طور کلی به شخصیت‌پردازی جرجی زیدان در داستان‌هایش توجهی کنیم ملاحظه می‌کنیم او توجه چندانی به شخصیت‌پردازی نداشته و از این بعد صرفاً ویژگی‌های ظاهری و اعمال و گفتار آن‌ها را توصیف می‌کند. شخصیت‌های داستان‌های او فقط هنگام نیاز به خواننده معرفی می‌شوند. اکنون با توجه به عنوان مقاله حاضر برآنیم نوع شخصیت‌های زنانه را مورد بررسی قرار دهیم:

الف) شخصیت ایستا و پویا: شخصیت ایستا شخصیتی است که ابعاد شخصیتی وی در آغاز و انجام داستان ثابت بوده و متأثر از حوادث و وقایع داستان نیست و تغییری از خودشان نمی‌دهد. اما در مقابل شخصیت پویا متأثر از شرایط گوناگون بوده و در پایان داستان دچار تغییر و تحول است یعنی اگر این شخصیت در ابتدای داستان فردی بدکار یا مغرض باشد در فرجام داستان به سبب یک سری کنش‌ها و واکنش‌ها به فردی آگاه و روشن ضمیر و ... تبدیل می‌گردد (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۹۳).

در رمان «شجره‌الدر» وقتی در شخصیت «شوکار» کنیز شجره‌الدر تأمل کنیم می‌بینیم که وی از همان ابتدا دارای شخصیتی پاک طینت و فردی مورد اعتماد و ثابت قدم است یعنی در ابتدای داستان به عنوان ندیمه شجره‌الدر، محرم اسرار وی بوده و کسی است که شجره‌الدر به عنوان حاکم حکومت اسلامی به وی اعتماد کرده در امورات جامعه با وی مشاوره می‌کند و بعد از آن‌که شجره‌الدر جهت بدست آوردن مساعدت رکن‌الدین بیبرس در اداره حکومت، پیشنهاد ازدواج شوکار را با او مطرح

می‌کند وی با ثبات قدم و طینت پاک‌منشانه خود عاشق وی شده و در برابر دسیسه‌های متعددی که از سوی عزالدین اَبیک فرمانده سپاه و بویژه سلافه کنیز دربار ملک صالح و سحبان تاجر بغدادی پارچه مواجه می‌شود بر عهد خویش استوار مانده و هرگز از اعتقاد خویش روی برنمی‌گرداند. در برابر این فرد سلافه قرار دارد که از همان ابتدای داستان زنی حيله‌گر و دورو و منافق است او به سبب علاقه‌ای که به رکن‌الدین محبوب شوکار داشت با فریب و دسیسه‌ای سحبان را مامور می‌کند که شوکار را از دربار شجره‌الدرد خارج کرده و به تبع آن از مقابل دیدگان رکن‌الدین دور نگه دارد بلکه بدین وسیله بتواند خود به سبب علاقه شدیدی که به رکن‌الدین داشت با او ازدواج کند اما با تمام اعمال و اقدامات فریبکارانه و منافقانه‌ای که انجام می‌دهد کاری از پیش نمی‌برد و سرانجام در پایان گرفتار دام فریب و نفاق خود گشته توسط رکن‌الدین به قتل می‌رسد (شجره‌الدرد، ۱۶-۱۶۰).

همچنین در رمان «ابومسلم الخراسانی» با گلنار مواجه می‌شویم. وی دختر یکی از دهقانان ثروتمند مرو است که وقتی ابومسلم را در منزلشان مشاهده می‌کند با اخلاص و نیت پاک مجذوب وی می‌شود ولی علیرغم امتناع ابومسلم از قبول پیشنهاد وی که ابتدا توسط ضحاک (صالح) به وی ابلاغ می‌شود و با وجود این خود بعداً به او پیشنهاد می‌دهد و یا با کمک‌های مالی و نقدی خویش می‌خواهد دل ابومسلم را بدست آورد اما کاری از پیش نمی‌برد باز از علاقه شدید وی بدو کاسته نمی‌شود. جالب این‌که ایستایی شخصیت وی آنگاه بوضوح در این داستان جلوه‌نمایی می‌کند که وقتی از خبر کشته‌شدن پدرش بدست ابومسلم آگاه می‌شود باز از اعتقاد خویش دست بردار نبوده و وقتی خبر کشته شدن وی را بدست منصور می‌شنود با حالت گریه و زاری شدید وارد دربار می‌گردد و چنین واکنش نشان می‌دهد: «...الغَوَّيَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الْعَفْوَّ عَنِّي وَعَنهُ، أَوْ أُقْتَلِي مَعَهُ» و با دیدن پیکر بر زمین افتاده ابومسلم چنین می‌کند: «...فَرَمَتْ نَفْسَهَا عَلَيْهِ وَ لَحِقَتْ حَتَّى غُرْدَائِهِ تَغْمِسُ كَفِّهَا بَدْمَهُ وَ تَمَّحُّ وَجْهَهَا وَ...» (ابومسلم الخراسانی، ۲۱۴).

و یا در رمان «ارمانوسه المصریه» وقتی ارمانوسه دختر مُقَوِّس، حاکم قبطی مصر بوسیله قسطنطین پسر هرقل خواستگاری می‌شود، وی به سبب دل‌بستگی که به

ارکادیوس پسر اعیرج فرمانده رومی دارد دچار تعارض درونی می‌شود اما با مساعدت- های باربارا ندیمه خود از قسطنطین دوریگزید. و در طی مبارزات و کش و قوس‌های فراوانی که در برابرش در جهت نیل به محبوبش ارکادیوس قرار می‌گیرد همواره ثابت قدم و بدون هیچ تغییری در اعمال و رفتار پیوسته به هدف خویش فکر می‌کند تا این‌که سرانجام به مقصود خویش نایل می‌شود.

نمونه‌های شخصیت ایستا و غیر متحول را در تمام رمان‌های زیدان می‌توان به سادگی ذکر کرد. مریم و میمونه در رمان شارل و عبدالرحمن، سلمی در رمان غاده کربلا، هند در رمان فتاه غسان قابل ذکر می‌باشند. کلاً تمام شخصیت‌های زن موجود در رمان‌های جرجی زیدان ایستایند و تحولی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود غالب آن‌ها نمونه مطلق خوبی‌ها و در موارد اندکی مطلق شر و بدی.

از دیگر انواع شخصیت‌های موجود در این رمان‌ها شخصیت‌های مخالف و شخصیت‌های همراز است. شخصیت‌های مخالف آن‌هایی هستند که مخالف و معارض شخصیت اصلی بوده و از برخورد و تعارض این دو کشمکش به وجود می‌آید. و شخصیت‌های همراز، شخصیت فرعی در داستان است که شخصیت اصلی به او اعتماد می‌کند و با او اسرار و رازهای خود را در میان می‌گذارد. حال اگر از این لحاظ شخصیت‌های زنانه را در داستان‌های زیدان بررسی کنیم چنین شخصیت‌هایی بوضوح قابل تمیزند.

در رمان «ارمانوسه المصریه» ارمانوسه به عنوان شخصیت اصلی و یوقنا به عنوان شخصیت معارض وی بوده و کسی است که در پی آن است با ربودن ارمانوسه، وی را از آن خود کرده و از ارکادیوس وی را تصاحب کند در کنار این شخصیت، شخصیت همراز باربارا را می‌بینیم که ارمانوسه از ابتدا از وی به عنوان تکیه گاه عاطفی استفاده می‌کند. و یا در رمان شجره الدر، سلافه کنیز ملک صالح به عنوان شخصیت معارض مطرح بوده است. در رمان ابومسلم خراسانی نیز شخصیت معارض همان ضحاک (صالح) است که پی در پی چهره و رفتار خود را به تناسب اقتضای شرایط تغییر

می‌دهد تا به مقاصد خود برسد و در برابر آن ریحانه شخصیت مثبت و صندوق اسرار و مرجع عاطفی برای گلنار مطرح است. ونیز در رمان فتاة غسان سعدی، مادر هند همراز هند محبوب حماد می‌باشد.

از آنجایی که یکی از راه‌های شخصیت‌پردازی توصیف ظاهر شخصیت است و توصیف اعمال، افکار و قیافه مهمترین روش‌های شخصیت‌پردازی هستند (عبداللهیان، ۱۳۸۱: ۴۱۳) می‌توان نمودهای این پدیده را در رمان‌های جرجی زیدان ملاحظه کرد بدین صورت که ذکر و توصیف عمل و فکر و ظاهر شخصیت‌ها به خواننده این امکان را می‌دهد که بتواند در مورد نوع شخصیت داوری کند. مثلاً در توصیف شجره الدر چنین آورده است: «و.و. یحیی. امرأً لیسَتْ کَسَائِرِ النِّسَاءِ فَلَهَا قَلْبُ الرَّجُلِ وَمَطَامِعُ کِبَارِ الرَّجَالِ؛ إِذَا عَوَّمَتْ عَلِيَّ أَمْرًا فَلِإِتَابِي مَا يَقِفُ فِي سَبِيلِ هَلْ مَالِ الْعَقَابَتِ لِأَنَّهَا تَنْذِلُهَا بِأَيَّةِ وَسِيلَةٍ كَانَتْ، كَمَا فَعَلَ عُظَمَاءُ الرَّجَالِ رِيَالُ طَامِعٍ» (شجره الدر، ۲۰۰۹: ۸) و أسماء را در رمان «عذراء قریش» از لحاظ خلقی و خلقی چنین توصیف می‌کند: «...فقد كانت ربعة القولم بلانة الجسقمحيحة الونسودالعنين... في نظيا حدة طويلة الأهداب مقفللتحاجين صغيرة الفم عظيمة الهيبة. يعجز للنس عن التفرس في ملامح جبهة لعظهميتهها...» (عذراء قریش، ۱۹۹۸: ۱۸).

و در توصیف جهان دختر طهماز در داستان عروس فرغانه چنین آورده است:

«...وكانت طيلة القامة جميلة الطعة في وجهها هيبه وصحة وجمال وعيناها كبيرتان فيها نور وركاء وجاذبيلا يعبر عنها بغير السحر ولذلك يشعر من يبادلها النظر الحديث ولا تطاوع نفسه علي مخ الفهم في أمر كهم ملكت عليه رادته. فيصبح آله بيدها. كما ورثت عن لها كثيرا من سجايا الجراكسة الكموه والشجاعة والأهمة وتعود ركوب الخيل والسباق بها والخروج للصيد. علي أنها أخذت عن أبيها ذكاء الفرس وتعقلهم ودقة إحساسهم...» (عروس فرغانه، ۲۰۰۷: ۱۱).

سیما و خصوصیات اجتماعی زنان در رمان‌های تاریخی جرجی زیدان

آنگاه که در اروپا توجه به زن در نوع افراطی خود در سده نوزده با وجهه سیاسی و اجتماعی آشکار گردید و عده‌ای از روشنفکران و صاحب نظران و نویسندگان با تمام قوا از برابری کامل زن دفاع کردند به این نتیجه رسیده بودند که سیطره مردان بر زنان همواره در طول تاریخ یک اجبار اجتماعی و فرهنگی است نه یک پدیده تکوینی و طبیعی. لذا بایستی جهت احقاق حق نیمه دوم جامعه، این قانون از بین برود. در میان آثاری که این صاحب نظران خلق نمودند نگرش فرهنگی و اجتماعی به مقوله جنسیت، بویژه زن جایگاه ویژه‌ای داشت. مثلاً آنان معتقد بودند که زنان همواره از ایفای نقش در عرصه‌های عمومی دور نگه داشته شده و چنین بدانها القاء شده که وظیفه آن‌ها صرفاً مادری و تربیت فرزند و شیردادن بدانهاست. در حوزه ادبیات و به طور خاص در میان آثار داستانی عربی همواره ملاحظه می‌کنیم که نویسندگان، زنان را در شرایط، حوادث و یا در تقابل و درگیری با سایر عناصر اجتماعی به تصویر می‌کشند. نگاهی به سیمای زن در رمان‌های غسان کنفانی (مجله زن در فرهنگ و هنر، شماره بهار ۹۱) و یا در رمان‌های نجیب گیلانی و غیره این مدعا را ثابت می‌کند که در آن‌ها زنان پا به پای مردان حاضر در صحنه‌های متعدد بوده، بر عقیده و مذهب خود پافشاری کرده و زنده و پویا به دنبال رسیدن به اهداف خویش‌اند. البته ناگفته نماند که گاه در میان آثار قدیمی‌تر ادب عربی غالباً زن به عنوان یک پدیده‌ای بوده که همواره در خدمت مرد بوده و مردان از آنان لذت‌جویی می‌نمودند و از نمونه‌های آن می‌توان در میان اشعار جاهلی و اباحی‌گری دوره اموی و ... به وفور یافت.

در نیمه قرن نوزدهم نیز با پیدایش مکتب رمانتیسیم در اروپا، ادبیات عربی تحت تأثیر این مکتب قرار گرفت. بدین ترتیب که روشنفکران و فرهیختگان سوری و لبنانی که عمدتاً مسیحی بودند با زبان و فرهنگ غرب آشنایی داشتند و با مطالعه آثار و جراید اروپایی‌ها تحت تأثیر فرهنگ و رسوم آنان قرار گرفته و پس از بازگشت به وطن خویش آثاری را خلق نمودند. از جمله موضوعاتی که بیشتر مورد توجه قرار گرفت و بالتبع نویسندگان می‌توانستند با استفاده از آن مخاطبان بیشتری جذب کنند زن و حقوق

آن و مسایل مرتبط با آن بود. جرجی زیدان با مشاهده اوضاع زنان در اروپا و حضور آن‌ها در عرصه‌های مختلف اجتماعی در پی آن شد تا در آثار خود به این پدیده دیدی متجددانه داشته باشد و نقش و اعمال آنان را در آثار خویش به ویژه داستانهای تاریخی‌اش بیشتر نماید او با این رویه‌ای که اتخاذ نمود افق‌های تاریخی را فراروی نویسندگان پس از خود گشود. با نگاهی به زن و اعمال وی در داستان‌های تاریخی زیدان ملاحظه می‌شود اولاً: حضور شخصیت‌های زن در این داستان‌ها بسیار زیاد است و ثانیاً: در کنار آن سهم فراوانی به زنان اختصاص داده شده که هم پای مردان در کارهای مختلف شرکت دارند و از دیدگاه‌های جاهلانه نسبت به زن خبری نیست هرگاه یک شخصیت زن مصمم به انجام کاری می‌گردد با هوش و ذکاوت خویش و در کنار آن حفظ عفت و صداقت به هدف خویش نایل می‌گردد از جمله خصوصیات که زنان در داستان‌های تاریخی زیدان بدانها موصوف گشته‌اند در موارد زیر خلاصه می‌گردد:

قاطعیت و ابراز وجود:

قاطعیت و ابراز وجود به معنای تن به خطر دادن در راستای تحقق اهداف خویش است. در این داستان‌ها آنگاه که یک شخصیت زن هدفی را دنبال می‌کند و با نامالیقات و موانعی برخورد می‌کند با برخورداری از صفت قاطعیت و احساس توانایی به دنبال رفع نیاز خود می‌گردد، به عنوان مثال در رمان «عذراء قریش» آنگاه که مادر اسماء در حالت احتضار در پی آن بود که با امام علی (ع) ملاقات کند و اسماء با این که کارشکنی مروان و یزید پدرش را در دعوت امام (ع) ملاحظه کرد در پی آن شد که خود شخصاً به دنبال امام (ع) برود: «وَحِينَ سَمِعَتْ سَمَاءُ ذَلِكَ ثَارَتْ الْجَيْشِيُّ رَأْسَهَا، وَالْوَقْتُ تُثِينٌ... فَزَمَّعْتُهَا الْمَسِيرَ بِنَفْسِهَا... وَ لَكِنَّهُ لَيْسَتْ سَهْلَةً كُلَّ صَعْبٍ فِي سَبِيلِ مَرْضَاةٍ... وَ هَمَّتْ بِالْخُرُوجِ...» (عذراء قریش، ۱۹۹۷: ۲۳). بنابراین همان‌طور که می‌بینیم نویسنده با این عبارات می‌خواهد نشان دهد زن در جامعه اسلامی موجود در این داستان یک عنصر منفعل و بی‌خاصیت نیست که صرفاً اهداف و اعمال خود را از طریق مرد بجوید و اگر احیاناً مردی در برابر درخواست زنی کرنش نمود، خود زن دست به کار می‌شود و وجود زن

بررسی شخصیت‌پردازی زن و خصوصیات اجتماعی وی در رمان‌های تاریخی جرجی زیدان ۱۵۳

را به عنوان یک عنصر مستقل نشان می‌دهد همین مطلب خود صفت مسئولیت‌پذیری زن را نیز خود بخود نشان می‌دهد که پذیرفتن نوعی تعهد در راستای تحقق اهداف متعالی است و پذیرفتن تعهد به معنای خودباوری است.

آزادی در انتخاب همسر:

اگر به مسأله ازدواج زنان در دوره جاهلیت و پیش از نزول آیین الهی اسلام به طور اجمال نظری بیفکنیم بدین نکته دست می‌یابیم که زن به عنوان یک پدیده بی ارزش هیچ نوع حق انتخابی برای خویشتن نداشت چه رسد به اینکه در مورد آینده و سرنوشت خویش تصمیم‌گیری نموده و برای خود همسری انتخاب کند یا حداقل در مورد هویت آن اظهار نظری بنماید. پیامبر گرامی اسلام (ص) با استناد به آیات عظیم الشان الهی و قرآنی برای زنان و مردان در انتخاب همسر به استقلال آنان حکم نمود و ازدواج تحمیلی را باطل اعلام کرده و به این ترتیب اولین مرحله ازدواج را اصلاح کرده و زن را از زنجیرهای جاهلی پدر و قبیله آزاد نمود. در داستان‌های تاریخی جرجی زیدان بسته به محتوا و طرحی که دارند - این طرح و محتوا عمدتاً در همه آن‌ها مشترک است - دو جوان که عمدتاً از طبقات بالا دست جامعه‌اند عاشق هم می‌گردند اما وقتی با مقاومت اطرافیان و یا موانع محیطی روبرو می‌گردند در برابر آن مقاومت نموده و در پی مشکلاتی که از این مقاومت عارض می‌گردد مدت‌ها از هم دور می‌شوند و سپس با مبارزه با این مشکلات و موانع به خواسته شخصی و فردی خویش نایل می‌شوند. در این داستان‌ها، این غالباً زن است که اظهار علاقه به طرف مقابل می‌کند و در پی حقی که جامعه اسلامی برای آن ایجاد نموده می‌گردد مثلاً در رمان «ابومسلم الخراسانی» گلنار به ابومسلم علاقمند گشته و در پی آنست او را به عنوان همسر انتخاب کند و از ازدواج تحمیلی که پدرش دهقان مرو با علی کرمانی برای او ایجاد نموده سرباز می‌زند و یا در رمان «عذراء قریش» اسماء با ملاقات محمد بن ابی‌بکر بدو علاقمند گشته و طی فراز و نشیب‌های متعددی که برایشان ایجاد می‌شود

در پی دستیابی به خواسته‌شان هستند. نویسنده داستان آنگاه این خواسته زن و آزادی انتخاب او را به وضوح به مخاطبان عرضه می‌کند که وقتی ابومسلم توسط منصور به قتل می‌رسد دیگر گلنار با هیچ مردی ازدواج نمی‌کند و یا محمد بن ابی‌بکر توسط عوامل مروان کشته شده و در آتش انداخته می‌شود. در این هنگام اسماء را می‌بینیم که با دیدن پیکر سوخته محمد در آتش، چنین می‌گوید: «...ذُنْ لَأُعِيشُ هُنَا (دنیای یادۀ الشَّقَاءِ و مَا فِي بَقَائِي حَيَّةٌ بَعْدَ مُحَمَّدٍ . بَلْ كَيْفَ يَمُوتُ مُحَمَّدٌ بَقِيَّةً وَ الْمَوْتُ أَحْسَنُ وَسِيلَةَ تَجَمُّعِي بِهِ ؟ أَلَا عَوْنِي أَحْتَرِقُ بِنَارِهِ يَخْتَلِفُ رَمَادِي بِمَادِهِ ، وَ يَتَّحِدُ فَرَادِي بِفَرَادِهِ . الْمَوْتُ . الْمَوْتُ .» (عذراء قریش، ۲۳۷).

وضعیت اصرار و تأکید عاشق و معشوق در تمام داستان‌های زیدان آنگاه در اوج خود جلوه‌نمایی می‌کند که در همه آن‌ها دو طرف علیرغم میل و خواست محیط و اطرافیان مبنی بر ازدواج آن دو بر همه مشکلات فائق آمده و به خواسته‌های خود بوسیله ازدواج به همدیگر می‌رسند. و صرفاً در سه مورد از این داستان‌ها می‌بینیم که با وجود به شکست انجامیدن قضیه، علاقمندی دو طرف نیز به سردی گرائیده، بویژه جنس زن از ازدواج سرباز می‌زند. به نظر می‌رسد زیدان برآنست با انتخاب چنین طرح و رویکردی به مخاطبان چنین القاء کند که در کنار هدف اصلی‌اش از نگارش داستانهای تاریخی اسلامی که عمدتاً تشویق به مطالعه تاریخ بود (طه بدر، ۱۹۶۳: ۹۱-۹۳). معتقد است حق آزادی انتخاب همسر نیز برای زنان از سوی تعالیم اسلامی تجویز شده است. علاوه بر آن اگر به متون این داستان‌ها نظری بیفکنیم با تعداد کثیری از آیات قرآنی و احادیث مواجه می‌شویم و این خودبخود نشان از این دارد که زیدان با قرآن آشنا بوده است. حلمی محمد القا عود محقق برجسته معاصر ادب عربی در این باره چنین می‌گوید: «تأثیرپذیری جرجی زیدان از قرآن از لابلای اسلوب و جملات داستان‌های تاریخی‌اش کاملاً واضح و مبرهن است این تأثیر چنان است که خواننده گمان می‌کند با یک نویسنده مسلمان و سیراب از روحیه اسلامی روبروست» (القاعد، ۲۰۰۹: ۳۷). لذا این آشنایی و تأثیرپذیری، این نکته را ثابت می‌کند که زیدان چنین روندی را با الهام از آیات قرآنی برگزیده است و برآنست دو نکته را به مخاطبان بویژه زنان

برساند: ۱- زنان در جامعه اسلامی طفیلی مردان نبوده و حق انتخاب دارند ۲- قرآن کریم در موارد متعددی این حقوق را برای آنان تجویز کرده است.

عفت و پاکدامنی:

آنچه در سطح کلان جامعه عرب جاهلی نسبت به زن وجود داشت نگاه به زن به عنوان موجودی پست بود. مردم عصر جاهلی زن را مظهر مکر و نیرنگ دانسته و عقیده داشتند زن همانند شیطان در پی فریب دادن مردان است. به اعتقاد گروهی از عرب‌ها دختران، افرادی پلید و از مخلوقات شیطان بودند و به هیچ وجه نبایستی به عنوان یک موجود پاک و عفیف بدان نگریست. اما باز با ظهور آیین اسلام و ساختار شکنی آیات الهی در جامعه عربی این نگاه‌ها دچار تزلزل شد و زیدان نیز با تأسی از این تحولات بر آن شد که نشان دهد با ظهور اسلام زنان جایگاه حقیقی خود را بازیافته و چنین نیست که زن یک موجود ناپاک و پلید باشد. دلیل این مدعا شخصیت‌های زنانه‌ای است که در این رمان‌ها بکار رفته است تقریباً تمامی شخصیت‌های زنانه در این داستان‌ها پاکدامن و عفیفند، تمام مسایل عاشقانه آن‌ها عذری است و همراه با عنصر برجسته حیا همراه است. در موارد متعددی می‌بینیم وقتی یک شخصیت زن می‌خواهد کاری انجام دهد حیا بر او غالب شده و از انجام آن کار سرباز می‌زند. مثلاً وقتی أسماء در پی ناامیدی از ماموریت محوله بر مروان بر آن شد خود شخصاً به دنبال امام علی (ع) برود، با مشاهده امام در صحن مسجد و در برابر جماعت تصمیم گرفت از میان مردم پیش امام (ع) برود: «... وَ حَدَّثَتْ نَفْسُهُ بِهَا أَنْ تُخْتَرَقَ الْجَمَاهِيرُ فَمَعَهَا الْحَامِيَةُ وَعَلِمَتْ أَنَّهَا إِذَا غَلَّتْ ذَلِكَ شَوْهَتْ الْأَجْتِمَاعَ غَضَبًا عَمَّا فِي الْعَمَلِ أَنْ يَطْلُقَ قَاحَهُ» (عذرآء قریش، ۳۲) و یا در رمان «ارمانوسه المصریة» وقتی ارمانوسه بر آن می‌شود راز دلش را با باربارا در میان بگذارد حیا بر او غالب می‌گردد: «... وَ كَانَتْ تُقْبَلُ بِهَا كَلَّ الْوَثُوقِ لِأَنَّهَا نَفْسُهَا مِّنْ نَّفْعِ أَوْفَارِهَا وَ... لَكِنِ الْحَيَاءُ غَلَبَ عَلَيْهَا فَأَمْسَكَتْ عَنِ الْكَلِمِ...» گفتنی است این پدیده در تمام

داستان‌ها وجود دارد همه شخصیت‌های زن که می‌خواهند ماجرای دلدادگی‌شان را با ندیمه خود ابراز کنند در وهله اول با مشکل منع حیا روبرو هستند.

دلیل دیگر پاکدامنی شخصیت‌های زنانه در این داستان‌ها علاقمندی و دلبستگی آن‌ها به شخصیت‌های پاک مردانه است در هیچ رمانی دیده نمی‌شود که یک شخصیت زن علاقمند به یک شخصیت پلید و ناپاک مرد شده باشد مثلاً در رمان ابومسلم خراسانی، گلنار دلبسته شخصیت ابومسلم، در عذراء قریش، اسماء دلبسته محمد بن ابی بکر، در غادة كربلا، سلمی دلبسته عبدالرحمن، در ارمانوسه المصریه، ارمانوسه دلبسته ارکادیوس، در فتح الاندلس فلوراندا شیفته النونس، در فتاة غسان هند عاشق حماد و ... با ملاحظه این شخصیت‌های مردانه، می‌توان نتیجه گرفت که همگی و بدون استثنا افرادی جوانمرد، پاکدامن، شریف، نوع دوست و مثبت بوده‌اند.

مشارکت سیاسی:

منظور از مشارکت سیاسی، حضور در عرصه‌های مدیریتی و حکومتی و نیز ورود به عرصه‌های انتخاباتی و یا دخالت در تعیین حاکم و دفاع و پشتیبانی از یک گروه یا طیف خاصی می‌باشد. این نوع مشارکت به عنوان یکی از زمینه‌های مشارکت اجتماعی و در کنار اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی و نیز فعالیت‌های تعلیم و تربیت و غیره مطرح است. سؤالی که در وهله اول با آن مواجهیم اینکه آیا این عرصه‌ها در رمان‌های تاریخی اسلامی زیدان با تمام گستره‌اش در انحصار مردان است؟ و یا هیچ‌گونه محدودیتی برای زنان قایل نیست و در این عرصه‌ها برای جنسیت خاصی حق قایل نشده است؟ اگر بخواهیم از لابلای داستان‌های مذکور به این مسایل نگرشی داشته باشیم ملاحظه می‌کنیم که به طور کلی پدیده اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی چندان جایگاهی نزد زنان حاضر در این رمان‌ها نداشته است، علت عمده آن را می‌توان در اقتصاد سنتی و متکی بر مردان جوامع عربی و اسلامی جستجو کرد. جامعه اسلامی از ابتدای تأسیس تا چندین سده بعد، به دلیل شکل سنتی و بیابان گردی‌اش، بیشتر اقتضای آن را داشت که مردان در این عرصه فعال بوده و زنان از این نوع فعالیت‌ها دور مانده باشند. و صرفاً

به کارهای جزئی و درون‌خانه‌ای و ... اکتفا کنند؛ هر چند که این گفته بدان معنا نیست که اسلام به فعالیت‌های اقتصادی زنان اهمیت نداده و زنان را از این امر نهی نموده باشد آیه ۳۲ سوره نساء و نیز ۲۳ سوره قصص و دختران حضرت شعیب (ع) یکی از شواهد این مدعاست. اما آنچه به وضوح برای زنان در تاریخ اسلام به طور عام و نیز زنان داستان‌های تاریخی زیدان به طور خاص ثابت شده، مشارکت سیاسی آنان می‌باشد. همچنین برای مشارکت سیاسی زنان، در طول تاریخ اسلام که آیه ۱۲ سوره مبارکه ممتحنه است که در آن به بیعت زنان به عنوان یکی از بارزترین مظاهر عمل سیاسی در جامعه اشاره شده است. علاوه بر آن در تاریخ صدر اسلام با بیعت عقبه ثانیه مواجهیم که در آن گروهی از مردم مدینه پس از عمل حج با رسول اکرم (ص) بیعت کردند و در میان این بیعت‌کنندگان نام دو زن به نام‌های ام عماره و أسماء به چشم می‌آید. علاوه بر آن در آیات متعددی از قرآن کریم از مهاجرت زنان که یکی از حرکات‌های اجتماعی و سیاسی می‌باشد سخن به میان آمده است.

گفتنی است مشارکت سیاسی زنان به طور عمده در داستان‌های جرجی زیدان به تصویر کشیده شده است. اما در دو اثر «عذراء قریش» و «غادة کربلاء» برجستگی‌اش بیشتر است. ماجرای داستان اولی ذکر حوادث خلافت عثمان و کشته شدن وی و نیز خلافت امام علی (ع) و جنگ جمل و ... و داستان دوم ذکر جریان به شهادت رسیدن امام حسین (ع) و اهل بیت ایشان در دشت کربلاء و ولایت یزید و ذکر حوادث و فتنه‌های پس از او می‌باشد (صاوی، ۲۰۰۰: ۴۲۳).

در داستان «عذراء قریش» أسماء به عنوان دختر یکی از بزرگان سپاه اسلام که نامش مجهول است با ورود در عرصه اجتماعی و ملاحظه تقابل‌های جامعه و حکومت یعنی مروان و دار و دسته وی با امام علی (ع)، بدین نتیجه می‌رسد که امام (ع) حقیقتاً مورد ظلم قرار گرفته است. او آنگاه که به همراه محمد بن ابی بکر در حجره‌ای که پیامبر (ص) در آنجا مدفون بود، مناجات امام علی (ع) را ملاحظه کرد تفکر و ذهنیت دیگری پیدا کرد (عذراء قریش، ۱۹۹۸: ۲۸) این ذهنیت تا بدانجا دچار تحول گردید که با تمام

وجود بر آن شد در گیر و دار حوادث و ماجرای قتل عثمان و تعیین خلافت از حقانیت امام علی (ع) دفاع کند. مثلاً آنگاه که شاهد جلسه مشورتی امام (ع) با عثمان و زبیر می‌شود چنین می‌گوید: «بُورِكُ فِي عَلِيٍّ، فَابْتِهَ صِلَاحُ هَذَا لَمْ يَه...» (همان، ۵۵-۵۴). و یا هنگامی که دخالت‌های مروان را در امور عثمان ملاحظه می‌کند، نزد عثمان حاضر شده و او را از فتنه‌گری‌های مروان آگاه می‌کند و می‌گوید: «إِنِّي يَا أَمِيرُ مُؤْمِنٌ أَرِي فِي الإِصْغَاءِ لِقَوْلِ ابْنِ عَمَلِكٍ هَذَا إِيقَادًا لِلْفِتْنَةِ بَعْدَ أَنْ نَامَتِ وَ مُدْعَاةً لِلْقِتَالِ وَ إِثَارَةً لِلْحَرْبِ، فَيُنَّ اسْتِسْلَامَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لِمَشُورَةِ رِوَانَ قَدِيدُودٍ يِي الْيَشْرُ عَظِيمٍ» (همان، ۵۸).

وی همچنین به همراه همسر عثمان نزد امام علی (ع) حاضر شده و به ایشان در مورد ریشه کنی فتنه‌ها چنین می‌گوید: «ذَلِكَ شَيْءٌ حَمِيدٌ أَلْفِتْنَةِ، فَاقْضُو عَلَيَّ أَصْلَ الشَّرِّ، اقْتُلُوا رِوَانَ بْنَ الْحَكَمِ فَلَنْ سَبَّ ذَلِكَ أَلْبَاءَ الْعَظِيمِ...» امام (ع) نیز پس از شنیدن سخنان وی به حضرات فرمود: «أَرِي كَلَامَ هَذِهِ الْغَاةِ صَوْتًا مِنْ أَصْوَاتِ أَهْلِ السَّمَاءِ» (همان، ۷۲).

دفاع اساسی اسامی از امام (ع) پس از کشته شدن عثمان و مجروح شدن همسر وی به چشم می‌خورد آنگاه که نائله همسر عثمان پیراهن وی و انگشتان خود را به سوی معاویه ارسال می‌کند. اسامی نیز جهت جلوگیری از تبعات بعدی این قضیه، نائله را چنین مورد خطاب قرار می‌دهد: «وَلَمَّا كُنْتَ تَعْلَمِينَ أَنَّ بَنِي هَاشِمٍ كَانُوا كَثْرَ النَّاسِ دِ فَاعَاً عَنْهُ (عثمان) فَانْتَلِمًا أَرْسَلَتْ إِلَيْهِ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ لِرَدِّ النَّاسِ عَنْ بَابِهِ. وَلَوْ أَدْنَ لَهُمْ أَلْمُؤْمِنِينَ رَحِمَهُ اللَّهُ بِالْقِتَالِ لَجَهَدَا فِي الدِّفَاعِ عَنْهُ إِلَى آخِرِ نَسَمَةٍ مِنْ حَيَاتِهِمَا» (همان، ۸۶).

علاوه بر این در داستان غاده کربلاء نیز، سلمی به عنوان شخصیت اصلی داستان، به همراه عبدالرحمن، از کوفه راهی دمشق می‌شوند تا با قتل یزید بن معاویه خلافت را به اهل بیت (ع) بازگردانند. در این داستان مسایل و اتفاقات زیادی در جهت اجرای این هدف بر آندو عارض می‌شود که جهت اجتناب از اطاله کلام از ذکر شواهد دوری می‌کنیم.

به نظر می‌رسد علت اصلی حضور زنان در عرصه‌های سیاسی داستان‌های جرجی زیدان به دلیل نحوه انتخاب موضوعات و محتوای داستان‌های وی باشد. همان‌طور که می‌دانیم او به سراغ دوره‌های آرام و بی‌دغدغه تاریخ عرب و اسلام یا دوران‌های با

ثبات تاریخی نرفته و موضوعات خود را از مقاطعی برگزیده که در آن دو عنصر یا دو عنصر فرهنگ با هم در حال ستیزند (پروینی، ۱۳۸۵: ۱۸). لذا در یک دوره‌ای که ثبات تاریخی در آن کم باشد و فرهنگ‌ها و تفکرات با هم در حال ستیز باشند مسلماً حوادث و ماجراهای زیادی رخ داده و در نهایت شخصیت‌های زیادی نیز در این حادثه‌ها، دخالت دارند یکی از این شخصیت‌ها، زنانند. علت دیگر را نیز می‌توان در نوع نگاه و تأثیرپذیری نویسنده از مکتب رمانتیسم اروپایی جستجو کرد. و نیز همان‌طور که می‌دانیم یکی از جلوه‌های اساسی ادبیات رمانتیسم استفاده از زنان و دخالت دادن آنان در صحنه‌های مختلف با موضوعات گوناگون است.

نتیجه‌گیری

۱- اگر بخواهیم از لحاظ فنی شخصیت‌های زنانه را در داستانهای جرجی زیدان بررسی کنیم بدین نکته می‌رسیم که این شخصیت‌ها، همگی ساده و تک بعدی‌اند علاوه بر آن ایستایند.

۲- شخصیت‌های زنانه در داستانهای زیدان زیادند، لذا می‌توان گفت نویسنده با انتخاب چنین رویکردی بر آن شده به نوعی شخصیت تقریباً فراموش شده زنان را در حیات اجتماعی و تاریخی مسلمانان را در معرض دید مخاطبان قرار دهد.

۳- زیدان از لابلای این آثار به خوبی توانسته است نشان دهد که زن مسلمان باید در جامعه حضور داشته باشد و بایستی تمام توان خویش را در جهت پیشبرد اهداف اجتماعی، در کنار دیگر اهداف بکار گیرد.

۴- از لابلای مضامین داستانهای مذکور می‌توان دریافت زنان حاضر در این آثار، اعضای مؤثر در اجتماعند و باید همانند مردان در مسایل مختلف اعم از سیاسی و فرهنگی و اعتقادی نقش آفرینی کنند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- آتش سودا، محمدعلی، و امید حریری جهرمی (۱۳۸۹)، مقاله «شخصیت پردازی در رمان همسایه‌ها»، مجله پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، پیش شماره ۱.
- پروینی، خلیل، و هومن ناظمیان (۱۳۸۵)، مقاله «جایگاه جرجی زیدان در داستان نویسی معاصر عربی»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، صفحات ۱۶ تا ۳۳، شماره ۲.
- زیدان، جرجی (۲۰۰۹)، شجرة الدر، المكتبة المصرية، بیروت.
- زیدان، جرجی (۲۰۰۸)، فتاة القيروان، المكتبة المصرية، بیروت.
- زیدان، جرجی (۱۹۹۸)، ابومسلم الخراسانی، دارصادر، بیروت.
- زیدان، جرجی (۱۹۹۸)، عذراء قریش، دارصادر، بیروت.
- زیدان، جرجی (۱۹۹۸)، ارمانوسه المصریة، المكتبة المصریة، بیروت.
- زیدان، جرجی (۲۰۰۸)، عروس فرغانة، المكتبة المصریة، بیروت.
- شاهدی، سامره و محمدعلی فرجودی (۱۳۸۹)، مقاله «جایگاه شغلی زن در خانواده و اجتماع از دیدگاه قرآن»، فصلنامه پژوهشی زن و جامعه، سال اول، شماره چهارم.
- صاوی، محمود (۲۰۰۰)، کتابات جرجی زیدان، دارالهدایه للنشر، چاپ اول، بیروت.
- طه بدر، عبدالحسین (۱۹۶۳)، تطور الروایة العربیة الحدیثه فی مصر، دارالمعارف، قاهره.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۸۱)، مقاله «داستان و شخصیت پردازی در داستان»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- عبدی، صلاح الدین و شهلا زمانی (۱۳۹۰)، مقاله «شخصیت پردازی زن در ادبیات داستانی نجیب گیلاتی»، مجله زن در فرهنگ و هنر، دوره ۲، شماره ۳.
- القاعود، حلمی محمد (۲۰۰۷)، الروایة التاریخیة فی ادبنا الحدیث، نشر العلم و الايمان، دسوق.
- میر صادقی، جمال (۱۳۸۵)، عناصر داستان، انتشارات سخن، چاپ پنجم، تهران.

طريقه رسم شخصيه المرأه و خصائصها الاجتماعيه في روايات جرجي زيدان التاريخيه

محمد كريمي^١

عسكر بابازاده اقدم^٢

الملخص:

يكون الادب القصصي بسبب جذابيته الخاصه بين الانواع الادبيه الاخر ساحه ارائه الآراء و السلايق المختلفه حول الموضوعات المختلفه. احد من هذه الموضوعات هو موضوع المرأه و مكانتها. علي سبيل المثال حينما ندرس الادب القصصي لزيدان نري بأن المرأه و صورتها في هذه الآثار تكون جاذبه و خاصه. كاتب هذه الآثار يختص سهما وافرا للنساء في مسائل المجتمع الاسلامي و حوادثه والمرأه تكون حاضره و حيهعلي جانب الرجال، اضافه الي هذا لا نري اثرا من المرأي الحصري و الاستبعادي النسويه الذي يعتقد به بعض المنتقدين. لذا الكاتب هذه مقاله و يد بأن يعرض مظاهرا من الشخصيه النسويه في المجتمع الاسلامي خلال هذه الروايات خاصه خلال مرصد كاتب نصراني.

الكلمات الرئيسيه: جرجي زيدان، الروايه التاريخيه، المرأه، رسم اشخصية، المكانة الاجتماعيه.

١- طالب الماجستير فى اللغة العربيه و آدابها بجامعة العلوم والمعارف القرآنيه.

٢ - استاذ مساعد بجامعة العلوم والمعارف القرآنيه.